

فعالیت‌های ایالات متحده در آسیای مرکزی

علیرضا توپاحیدری



دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات آمریکای
شمالی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

از اوایل قرن بیست و یک تاکنون، ایالات متحده آمریکا در سه حوزه عملیات نظامی، تعامل دیپلماتیک و کمک‌های توسعه‌ای در آسیای مرکزی فعال بوده است. پس از حملات ۱۱ سپتامبر، ایالات متحده، عملیات نظامی را در افغانستان آغاز کرد که در نهایت منجر به سرنگونی طالبان و ایجاد یک دولت جدید شد. در ادامه، ایالات متحده برای مبارزه با تروریسم و حمایت از نیروهای امنیتی افغانستان، حضور نظامی خود را به مدت دو دهه در منطقه حفظ کرد. از نظر دیپلماتیک، ایالات متحده با دولت‌های آسیای مرکزی در مورد مسائلی مانند امنیت، دموکراسی، حقوق بشر و همکاری اقتصادی، تعامل داشته است. کمک‌های توسعه‌ای برای ارتقای ثبات، حکمرانی و رشد اقتصادی در منطقه ارائه شده است. ایالات متحده همچنین از پروژه‌های انرژی و توسعه زیرساخت‌ها برای تقویت ارتباط منطقه‌ای و کاهش وابستگی به روسیه و چین حمایت کرده است. به طور کلی، فعالیت‌های آمریکا در آسیای مرکزی، با هدف ارتقای ثبات، امنیت و توسعه اقتصادی و درعین حال پرداختن به چالش‌های ژئوپلیتیکی انجام شده است.

پیام را منتقل کرد که آسیای مرکزی همچنان در رادار سیاست خارجی دولت بایدن قرار دارد. نگرانی مقامات کشورهای آسیای مرکزی مبنی بر گسترش ناآرامی‌ها در آسیای مرکزی، تأثیر تداوم بحران‌ها بر تحولات منطقه و بزرگ‌نمایی نگرانی‌های منطقه مانند ازبکستان و قرقیزستان با گروه‌های افراط‌گرای اسلامی به نظر می‌رسد. برخی از محافل دولتی در کشورهای آسیای مرکزی، فقر و بیکاری را از عوامل رویکرد گروه‌های اسلام‌گرا در منطقه می‌دانند و با تقویت مناسبات خود با کشورهای خارجی و جلب سرمایه‌های آنان، قصد فایز آمدن بر بحران‌ها و مشکلات اقتصادی خود را دارند (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۸۶).

هدف اصلی آمریکا از حضور در آسیای مرکزی، افزایش نفوذ و کنار زدن رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است تا این کشورها با یک رهبری واحد با هم متحد نشوند و قدرتی واحد، کنترل منطقه را در دست نگیرد (مروتی و همکاران، ۱۴۰۱).

موقعیت ژئواستراتژیک کشورهای آسیای مرکزی، این منطقه را فوق‌العاده محوری کرده است؛ به طوری که هرگونه تغییرات ژئوپلیتیک در منطقه، اثرات خود را به صورت اجتناب‌پذیری بر کشورهای منطقه خواهد داشت؛ بنابراین با توجه به تحولات رخ داده در فضای پسا شوروی، منطقه آسیای مرکزی، با برخورداری از پنج کشور ازبکستان، ترکمنستان، تاجیکستان، قزاقستان و قرقیزستان دارای ابعاد ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک است و همین مسئله موجب اهمیت یافتن روندهای منطقه‌گرایی در آسیای مرکزی شده است (سیمبر و رضایپور، ۱۳۸۹).

ایالات متحده، آسیای مرکزی را منطقه‌ای مهم اما چالش برانگیز می‌داند که در آن می‌تواند اصلاحات سیاسی، توسعه اقتصادی و همکاری امنیتی را ارتقا دهد. دولت‌های آسیای مرکزی، کنترل شدید خود را بر حوزه سیاسی حفظ کرده‌اند. ایالات متحده همچنین پروژه‌های زیرساختی را برای کمک به اتصال کشورها و گسترش تجارت منطقه‌ای، تأمین مالی کرده است اما رشد اقتصادی نابرابر بوده است. منافع استراتژیک اصلی آمریکا در آسیای مرکزی پس از حملات ۱۱ سپتامبر تشدید شد. تهاجم سال ۲۰۰۱ ایالات متحده به افغانستان، نیازمند پایگاه‌های نظامی در کشورهای اطراف آسیای مرکزی برای حمایت از عملیات آزادی پایدار بود.

حدود ۲۰۰۰ نیروی آمریکایی از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ در پایگاه‌هایی در ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان مستقر بودند؛ در حالی که این پایگاه‌ها به تلاش‌های جنگی ایالات متحده کمک کردند. آنها همچنین با روسیه که آسیای مرکزی را حوزه نفوذ خود می‌دید، دشمنی کردند. ایالات متحده همچنین به دنبال تقویت روابط تجاری و سرمایه‌گذاری با کشورهای آسیای مرکزی از راه کاهش موانع و تشویق شرکت‌های آمریکایی برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های کلیدی مانند انرژی و معدن بوده است.

طرح‌ها و گام‌های آمریکا برای تضمین حضور و نفوذ در منطقه آسیای مرکزی

در آستانه خروج اضطراری نیروهای آمریکا از افغانستان، بلینکن، وزیر خارجه این کشور، با سفر به منطقه و دیدار با وزرای خارجه قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و ترکمنستان در چهارچوب ۱C+5، این

حضور ایالات متحده آمریکا برای محدودسازی فعالیت رقیبان خود یعنی چین و روسیه، با هدف مقابله با تروریسم و بنیادگرایی اسلامی، همان طور که در افغانستان عملیاتی شد، دوباره در منطقه آسیای مرکزی به ویژه در کشورهای قرقیزستان و ازبکستان گسترش یافت که البته واکنش های منفی را از سوی چین و روسیه بر علیه منافع ایالات متحده آمریکا در مناطق مختلف جهان شاهد خواهیم بود (وریچ کاظمی، ۱۴۰۲).

آمریکا قصد دارد با این اقدامات، حس اعتماد و امنیت بیشتری را به حاکمان ملی به منظور قبول مخاطرات بیشتر در راه اصلاحات در کشورهای خود القا نماید و به آنها بفهماند که در راه پیشبرد اصلاحات، دولت ایالات متحده همراه و پشتیبان آنان است.

آمریکا می‌کوشد تا نفوذ خود را در این منطقه گسترش دهد و نقش بیشتری ایفا نماید. بهره‌برداری از منابع نفتی، ایجاد پالایشگاه، ساخت تجهیزات و نیاز مالی این کشورها، به آمریکا فرصت می‌دهد تا با استفاده از شیوه‌های ارزان قیمت و فریبنده کمک‌های مالی، جای پای خود را در منطقه آسیای مرکزی محکم کند. آمریکا در منطقه علاوه بر حضور نظامی بر روی فعالیت این کشور، در مسائل اقتصادی نیز اثر مثبتی می‌گذارد اما مهم ترین محورهای اساسی سیاست خارجی آمریکا در منطقه آسیای مرکزی عبارت‌اند از: جلوگیری از گسترش نفوذ ایران در منطقه، ارائه الگوی حکومتی مورد نظر غرب به کشورهای منطقه، مقابله با اسلام‌گرایی، اشاعه نظام اقتصاد بازار آزاد در منطقه، جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای، کنترل بحران‌های منطقه‌ای به ویژه منازعات قومی

- سرزمینی و مدیریت آنها برای ثبات لازم منطقه، دسترسی آسان به منابع هیدروکربنی و به‌طور کلی بازار مواد خام منطقه، حمایت از حقوق بشر و دموکراسی و حفاظت از محیط‌زیست جهانی، جلوگیری از ظهور دوباره توسعه طلبی ایدئولوژیک یا رادیکالی روسیه که می‌تواند مهیاکننده زمینه بازگشت دوباره جهان به رقابت تسلیحات هسته‌ای شود و محدود نمودن چین و گسترش نفوذ اسرائیل در منطقه (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۸۶).

اقدامات ایالات متحده در کشورهای آسیای مرکزی دولت ایالات متحده در پنج کشور آسیای مرکزی که شامل کشورهای (قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و ترکمنستان) می‌شود، نفوذ و فعالیت‌های متفاوتی دارد و کارهایی را در این مناطق صورت داده است که در ادامه بحث، به طور جداگانه به توضیح درباره این فعالیت‌ها می‌پردازیم:

۱. قزاقستان

قزاقستان به دلیل قرار گرفتن در بین دو قدرت بزرگ (روسیه و چین) از موقعیت استراتژیکی خاصی برخوردار است؛ از این رو آمریکا برای مقابله با نفوذ روسیه و چین، به دنبال افزایش نفوذ خود در این کشور است. ایالات متحده آمریکا، به قزاقستان برای حمایت از استقلال و حاکمیت آن کمک کرده است. کمک‌های آمریکا به قزاقستان نه تنها برای حمایت از گسترش اقتصاد بازار است بلکه با برقراری یک نظام سیاسی دموکراتیک صورت می‌گیرد. قزاقستان، چهارمین قدرت هسته‌ای در جهان، مورد توجه کارشناسان آمریکایی قرار گرفت. قزاقستان پیشنهاد استفاده از دو پایگاه هوایی در قلمرو خود در چیمکنک و لوگووی را به آمریکا داد و

پایگاه نظامی «خان‌آباد» به نیروهای آمریکایی، آشکارا رویکردی غرب‌گرایانه و ضد روسی را در منطقه آسیای مرکزی، تا سال ۲۰۰۵ به جدیت تمام در پیش گرفته است (موسوی، ۱۳۹۸).

آمریکا به عنوان یکی از عناصر اصلی تضمین‌کننده امنیت، در منطقه آسیای مرکزی است و بیشتر از خود کشورهای منطقه، مراقب اختلافات و تحولات مرزی است. همچنین آمریکا باید به شدت مراقب قوی‌ترین ارتش منطقه یعنی ازبکستان باشد تا در موقع لزوم بتواند آن را مهار کند (شیرازی ابوالحسن، ۱۳۸۶).

ازبکستان به عنوان مهم‌ترین متحد استراتژیک ایالات متحده آمریکا در منطقه، از نقش محوری برای تحقق اهداف مورد نظر مقامات واشنگتن برخوردار است. ازبکستان و ایالات متحده به طور مشترک در سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل، سازمان امنیت و همکاری در اروپا، صندوق بین‌المللی پول

آمریکا دو پایگاه در آن کشور برپا کرد (جوادی ارجمند و سلورزی زاده، ۱۳۹۵).

ایالات متحده یکی از شرکای تجاری و سرمایه‌گذار عمده قزاقستان است. شرکت‌های ایالات متحده به شدت در بخش نفت و گاز قزاقستان سرمایه‌گذاری می‌کنند. ایالات متحده آمریکا با حمایت از ساخت خط لوله کنسرسیوم و خط لوله خزر به قزاقستان کمک کرده است تا صادرات انرژی خود را متنوع کند.

۲. ازبکستان

ازبکستان با واقع شدن در قلب آسیای مرکزی و همسایگی با افغانستان و نزدیکی به روسیه و ایران، از اهمیت و جایگاه بالایی در منطقه برخوردار است و وجود جمعیت زیاد و منابع سرشار انرژی (گاز و نفت) و معادن طلا، اهمیت اقتصادی این کشور را برای کشورهای بالادست مانند روسیه و ایالات متحده دوچندان کرده است. این کشور با واگذاری



از این پایگاه برای تدارکات و ترانزیت برای پشتیبانی از عملیات در افغانستان استفاده می‌کند.

۴. قرقیزستان

همان‌طور که اشاره شد، آمریکا در پی ایجاد «پلورالیسم جغرافیایی» در حوزه آسیای مرکزی است و قرقیزستان هم یکی از کشورهای بود که می‌توانست در این راه، برای آمریکا مفید باشد. آمریکا در حال حاضر در قرقیزستان حضور مستقیم نظامی دارد و نیز به سرعت در حال افزایش سطح کمک‌ها و حضور سیاسی خود در این منطقه است (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۸۶).

ایالات متحده، یک پایگاه نظامی در قرقیزستان به نام مرکز ترانزیت ماناس دارد که از سال ۲۰۰۱ آن را اجاره کرده است. این پایگاه برای پشتیبانی از عملیات ایالات متحده در افغانستان استفاده می‌شد. ایالات متحده برای این پایگاه، به قرقیزستان اجاره می‌دهد و در عین حال ایالات متحده به قرقیزستان کمک اقتصادی و نظامی هم می‌کند.

۵. ترکمنستان

ایالات متحده، سفارتی در عشق‌آباد، پایتخت ترکمنستان دارد و در تلاش برای گسترش روابط دیپلماتیک و اقتصادی با این کشور است. ایالات متحده به دنبال کمک به ترکمنستان برای تنوع بخشیدن به اقتصاد خود، به‌دوراز وابستگی به صادرات گاز طبیعی و ترویج اصلاحات دموکراتیک است.

ترکمنستان دارای ذخایر گاز طبیعی قابل توجهی است و ایالات متحده به راه‌های صادرات گاز ترکمنستان که روسیه را دور می‌زند، علاقه‌مند است. ایالات متحده از ساخت خط لوله ترکمنستان - افغانستان

و بانک جهانی عضویت دارند. ازبکستان به‌طور ویژه در تلاش برای عضویت در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) برای مشارکت در صلح و ناظر سازمان تجارت جهانی است (وریچ کاظمی، ۱۴۰۰).

۳. تاجیکستان

غرب و به‌ویژه آمریکا، در پی ایجاد «پلورالیسم جغرافیایی» در حوزه آسیای مرکزی است و کشورهای ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان به‌عنوان اولین اهداف آمریکا در این رابطه مطرح هستند. واشنگتن با اعلام جنگ علیه تروریسم بین‌المللی، نیروهای نظامی را به رهبری آمریکا به کشورهای اتحاد شوروی سابق کشاند؛ در نتیجه ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان محل استقرار پایگاه‌های نظامی آمریکایی شدند (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۸۶).

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، تاجیکستان به یک کشور مستقل تبدیل شد. ایالات متحده، روابط دیپلماتیک با تاجیکستان برقرار کرد و به دنبال گسترش روابط اقتصادی و سیاسی است. ایالات متحده برای حمایت از اصلاحات اقتصادی و سیاسی، به تاجیکستان کمک اقتصادی می‌کند. از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۸، ایالات متحده بیش از یک میلیارد دلار به تاجیکستان کمک کرد. این کمک‌ها بر پروژه‌های مربوط به رشد اقتصادی، بهداشت، آموزش و اصلاحات دولتی متمرکز است. ارتش ایالات متحده حضور محدودی در تاجیکستان دارد. در کشور در سال ۲۰۰۲ قراردادی را امضا کردند که به نیروهای آمریکایی اجازه می‌دهد از یک پایگاه هوایی در تاجیکستان استفاده کنند. ارتش ایالات متحده

- پاکستان - هند برای انتقال گاز ترکمنستان به جنوب آسیا حمایت کرده است. ایالات متحده کمک‌های توسعه‌ای به ترکمنستان با تمرکز بر بهداشت، آموزش، توسعه بخش خصوصی و حکومت‌داری خوب ارائه می‌کند اما دولت خودکامه، دامنه برنامه‌های ایالات متحده را محدود می‌کند. برخلاف کشورهای دیگر در این منطقه، کشور آمریکا هیچ حضور نظامی در ترکمنستان ندارد.

نتیجه‌گیری

ایالات متحده، آسیای مرکزی را به دلیل منابع عظیم انرژی، موقعیت هم‌مرز با افغانستان و مناطق ناپایدار و راه‌های ترانزیتی احتمالی برای عملیات نظامی ایالات متحده، از نظر استراتژیک مهم می‌داند. از زمان استقلال کشورهای آسیای مرکزی در اوایل دهه ۱۹۹۰، هدف ایالات متحده، ارتقای ثبات سیاسی،

توسعه اقتصادی، احترام به حقوق بشر و مقابله با افراط‌گرایی اسلامی از راه برنامه‌های کمک خارجی و تعامل دیپلماتیک بوده است. ایالات متحده هم به صورت دوجانبه با هر کشور و هم از طریق سازمان‌های منطقه‌ای برای مقابله با چالش‌های مشترک مانند امنیت مرزها، جنایات بین‌المللی و قاچاق انسان کار می‌کند.

ایالات متحده بر این باور است که رشد اقتصادی، توسعه پایدار و اصلاحات دموکراتیک برای ثبات بلندمدت در منطقه ضروری است و امیدوار است افزایش رفاه و فضای باز جذابیت ایدئولوژی‌های افراطی را کاهش دهد. آسیای مرکزی با مسائل مداوم بسیاری روبه‌رو است که مانع از پیشرفت بیشتری شود. بسیاری از دولت‌های آسیای مرکزی تمایلی به پذیرش کامل اصلاحات دموکراتیک یا بازسازی اقتصادی



مروتی، لیلا، قربانی شیخ‌نشین، ارسلان، منوری، سید علی (۱۴۰۱)، روند مواجه آمریکا و روسیه با تروریسم؛ از تقابلی تا تعامل. فصلنامه علمی سیاست جهانی، شماره ۴، صص ۲۸۸-۲۵۹.

سیمبر، رضا، رضایور، دانیال (۱۳۹۹)، واکاوی سیاست‌های ژئوپلیتیکی روسیه در قبال آسیای مرکزی با تأکید بر عامل چین. مجله سیاست و روابط بین‌الملل، شماره ۶.

وریج کاظمی، مریم (۱۴۰۰)، چشم‌انداز حضور ایالات متحده آمریکا در منطقه آسیای مرکزی. مرکز بین‌المللی مطالعات صلح - IPSC.

موسوی، سید میثم (۱۳۹۸)، ازبکستان در دوراهی روسیه - آمریکا. مؤسسه مطالعات راهبردی شرق.

مورد حمایت غرب ندارند و ایالات متحده نتایج متفاوتی در اجرای اهداف سیاست خود در آسیای مرکزی داشته است.

آمریکایی‌ها همکاری‌های منطقه‌ای بیشتر را برای مقابله با مشکلات مشترک تشویق می‌کنند؛ به طور خلاصه، در حالی که ایالات متحده، آسیای مرکزی را از نظر استراتژیک مهم می‌داند، موانع زیادی برای دستیابی به اهداف سیاست ایالات متحده در منطقه باقی مانده است.

دولت‌های آسیای مرکزی باید مالکیت و مسئولیت بیشتری برای اصلاحات به عهده بگیرند اما کمک‌های اقتصادی و فشار برای باز بودن و پاسخگویی می‌تواند به سوق دادن منطقه به سمت ثبات، امنیت و رفاه بیشتر کمک کند که هم به نفع آسیای مرکزی و هم برای جامعه بین‌المللی گسترده‌تر است. اهمیت استراتژیک منطقه تضمین می‌کند که ایالات متحده به تلاش‌ها برای شکل دادن به راه خود ادامه خواهد داد، هرچند با چشم‌اندازهای متفاوت برای موفقیت.

منابع

ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله (۱۳۸۶)، منافع ملی و استراتژی آمریکا در آسیای مرکزی. دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۷.

جوادی ارجمند، محمدجعفر، سلورزی زاده، صالح (۱۳۹۵)، راهبرد سیاسی - نظامی ایالات متحده آمریکا در آسیای مرکزی پس از ۱۱ سپتامبر؛ هدف‌ها و چالش‌ها. مطالعات اوراسیای مرکزی، شماره ۲، صص ۲۷۱-۲۸۸.